

**تریچه**  
**زیر خرابه‌های غزه**

دنیا ابوسیتا، نویسنده و مترجم ساکن غزه



چند ساعت می‌توانید زیر آوار خانه خود زنده بمانید؟ ۰،۲، ۳، یا حتی ۶ ساعت؟ اینجا در غزه، ما مجبوریم ماراتنی از گرفتار شدن زیر آوار را تحمل کنیم. لارا، پسرار و نعما همگی به ترتیب ۶، ۸ و ۱۶ ساعت زیر آوار مانده‌اند. آیا به راستی ما سزاوار این هستیم که زیر تلی از آوار خانه‌های خود خرد شویم؟ در غزه، وقتی خانه‌ای بمباران می‌شود، دفاع مدنی و غیرنظامیان برای نجات هر بازمانده‌ای می‌شنایند، اما حتی دفاع مدنی نیز توسط اشغالگران اسرائیلی هدف قرار می‌گیرد. جامعه جهانی چطور چنین چیزی را می‌پذیرد؟ مگر نه اینکه کسانی که هنوز زیر آوار زنده‌اند در حال مرگ هستند؟ در غزه حتی وقتی افرادی نجات می‌یابند، چیزی درون آنها مرده است.



**آیا زنده می‌مانم؟**  
خانواده رقصوت در اردوگاه نصیرات هدف قرار گرفتند و کل خانواده زیر آوار گرفتار شدند. لارا ۶ ساله و پارا ۱۶ ساله به طرز معجزه‌آسایی پس از ۸ ساعت زیر آوار زنده ماندند. پارا می‌گوید: «بیدار شدم و سقف خانه‌مان را روی سینه‌ام دیدم و تنها چیزی که برای تنفس بود، هوای بر از گردوغبار بود. سوالات زیادی در ذهنم می‌چرخید - آیا من مرده‌ام؟ کجاستم؟ خانواده‌ام کجاست؟ مادرم، پدرم و لارا؟ فریاد زدم، اما صدایی نیامد، بی‌هوش شدم و نمی‌دانم چند دقیقه یا چند ساعت بعد با بدنی پوشیده از خون بیدار شدم.»

امدادگران، همسایگان و بستگان فریاد می‌زدند: «کسی هست؟» تلاش کردم جواشمان را بدهم، اما صدایم در نیامد. سعی کردم لارا را لمس کنم، اما او را کنار خود نیافتم. بسا این حال، ناله‌های او را شنیدم. صداهای بیرون شروع به محو شدن کردند. صدای کسی از بیرون که می‌گفت: «دستی زیر سقف حرکت می‌کند». به من امید داد؛ این لاراست. همه‌ی وقفه برای نجات لارا کار کردند و دست من را هم دیدند و سعی کردند مرا بیرون بکشند، اما بی‌فایده بود. نمی‌توانستند سقف را بشکنند زیرا من زیر آن بودم. ساعت‌ها تلاش کردند و پس از ۸ ساعت کابوس، بیرون آمدم. ۸ ساعت زندگی در کابوسی که آرزو می‌کنم از حافظه‌ام پاک شود.



رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه در نشست همکاری راهبردی ترکیه و مالزی در قرن جدید در کوالالامپور، پایتخت مالزی تأکید کرده هیچ‌کس نمی‌تواند نکت دوم را به ملت فلسطین تحمیل کند و نخواهد توانست. اردوغان گفته: «ابتدا باید از (رژیم) اسرائیل خسارت تخریب‌هایی که به بار آورده، گرفته شود و با آن روند بازسازی در غزه آغاز شود. خانه‌ها، زمین‌ها و محل کارهای غصب‌شده توسط تل آویو و شهرک‌نشینان سرکش باید به صاحبان واقعی آن، یعنی فلسطینیان بازگردانده شود. هزینه بازسازی نوار غزه ۱۰۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. مسبب اسرائیل خسارت تخریب‌هایی که به بار آورده، گرفته

**اسرائیل باید ۱۰۰ میلیارد دلار غرامت بدهد**

**۱۵ ماه جنگ علیه غزه به روایت ۷ داستان**

فلسطینیان بیش از یک سال در غزه تحت محاصره و زیر بمباران شدید جانشان، عزیزانشان و خانه‌هایشان را از دست دادند. در حالی که رهبران جهان نتوانسته‌اند اقدام معنی‌داری برای توقف این فاجعه انسانی - اخلاقی انجام دهند. در ادامه اشاره‌ای داریم به ۷ روایت متفاوت از ۱۵ ماه جنگ وحشیانه‌ای که جامعه جهانی در برابرش سکوت کرده است.

**مادر بزرگ غزه‌ای، هدف تک‌تیرانداز اسرائیلی**

تازنمای میدال ایست آی گزارش داد که یک تک‌تیرانداز اسرائیلی زن فلسطینی را که نواش پر جم سفید در دست داشت و می‌خواستند از شهر غزه به منطقه‌ای امن در جنوب غزه بروند، به غرب گلوله به شهادت رسانده است. رشیده عبدالعاطی ۳۰ ژانویه ۲۰۲۴ به همراه چند نفر دیگر می‌خواستند از محله الریعال شهر غزه خارج شوند. او دست نواش را که پر جم سفید را تکان می‌داد، در دست گرفته بود که تک‌تیرانداز اسرائیلی به او شلیک می‌کند. یکی از همراهان به سوی رشیده می‌دود تا وضعیت او را بررسی کند. در حالی که نوه ۵ ساله‌اش سردرگم و هراسان است. اعضای خانواده رشیده می‌گویند صهیونیست‌ها در شرایطی این مادر بزرگ فلسطینی را هدف قرار داده‌اند که صلیب سرخ مسیر را امن اعلام کرده بود. سارا باشم خرس، یکی از دختران عبدالعاطی می‌گوید: حدود ساعت ۱۱ صبح صدای



**می‌توانید جایزه‌ها را بگیرید، اما صدایم را نه!**

در ژوئن سال ۲۰۲۴ بنیاد بین‌المللی زنان رسانه به دلیل پس گرفتن جایزه شجاعت در روزنامه‌نگاری از خبرنگار فلسطینی، ماها حسینی که از غزه گزارش می‌داد، به شدت محکوم شد. حسینی کسی بود که اعدام‌های میدانی فلسطینیان توسط اسرائیل را فاش کرده بود. اطلاعات این گزارش توسط آفریقای جنوبی به‌عنوان مدرک در دادگاه بین‌المللی دادگستری (ICJ) استفاده شد. حسینی در واکنش به پس گرفتن جایزه‌اش گفت: خوشحالم که برنده‌شدن جایزه و پس گرفتن آن توانم حملات

**«نه به نام من»؛ داستان معترضی یهودی**



یائیل کهن، معترض یهودی به میدال ایست آی می‌گوید: وقتی متوجه می‌شوی که زندگی شما روی آوار زندگی دیگران بنا شده، مسئولیت دارد که به آن واکنش نشان دهید. کهن ۵۱ ساله است که دارد علیه صهیونیسم اعتراض می‌کند. او از سال ۱۹۷۲ برای فلسطین آزاد مبارزه کرده و معتقد است که وظیفه‌اوست که هر جا هست از حق فلسطینیان دفاع کند. این یهودی می‌گوید: من روی زمینی زندگی کرده‌ام که از فلسطینیان در دیده شده. بنابراین هیچ عذری ندارم که امروز در لندن زندگی می‌کنم. می‌گویند از ۱۷ اکتبر سال ۲۰۲۳ و حملات مرگبار مداوم اسرائیل به غزه، به‌طور منظم برای همسنگی با فلسطینیان تظاهرات کرده‌ام می‌گویند که آنها قدرت مردم را دست‌کم گرفته‌اند.

**درون خود زندانی دارم**

لاغر شده و ناتوان از راه رفتن بدون کمک، دست راستش به شسکلی بی‌فواره جلوی او تکان می‌خورد و چهره‌اش تصویر بی‌سردرگمی است. معزز عیابات از زندان اسرائیل لنگ‌لنگان بی‌سرو می‌آید. پیش از اینکه از تیش رژیم صهیونیستی او را در اواخر سال گذشته دستگیر کند عیابات مردی توتومند و با اعتماد به نفس بود، یک بدن‌ساز آماتور با ۱۰۹ کیلوگرم وزن.

**سازمان ملل: بازسازی غزه ۱۰ سال زمان می‌برد**

گفت: حملات اسرائیل باعث تخریب حدود ۷۰ درصد از ساختمان‌های نوار غزه شده است و بازسازی این مناطق حدود ۵ تا ۱۰ سال زمان می‌برد. وی همچنین تخمین زده است که هزینه بازسازی نوار غزه حدود ۶۰ میلیارد دلار خواهد بود.



**شوک الکتریکی، حمله سگ و سوختگی سنگار**

در مارس ۲۰۲۴ بود که گروه‌های حقوق بشری فاش کردند فلسطینیانی که در ماه‌های اولیه جنگ توسط نیروهای اسرائیلی بازداشت شده بودند با چه مصیبت‌هایی روبرو بوده‌اند. آنها توصیف کردند که چگونه جسم‌ها شکنجه شده‌اند. در معرض اقدام‌های شکنجه‌آمیزی قرار گرفته‌اند و در شرایط غیرانسانی نگهداری شده‌اند. یکی از این فلسطینیان درباره ۴۰ روز اسارت در قفس فلزی به‌میدال ایست آی می‌گویند: در طول بازجویی‌ها به من شوک‌های الکتریکی داده می‌شد و شوک‌های ارتش را زخمی می‌کردند تا به ما حمله کنند. در زمستان لباس‌ها را خیس می‌کردند و تا چند روز به ما آب و غذای ندادند. شب‌ها با یخس موزیک و صداهای گوشخراش از خواب محرومان می‌کردند. معاد محمد خمیس مقداد که در شهر غزه اسیر شده بود هم می‌گوید: مجبورمان کردند لباس‌هایمان را در آوریم. سپس ما را به محوطه یک مسجده بردند و دست‌هایمان را از پشت بستند و مجبورمان کردند زانو بزنیم. سپس ما را در یک کامیون انداختند، جایی که سربازان و نیروهای امنیتی با ضرب و شتم و فحاشی شدید به ما حمله کردند. بدمان را با سیگار می‌سوزاندند و آب سرد روی ما می‌ریختند.

**سازمان ملل: بازسازی غزه ۱۰ سال زمان می‌برد**

گفت: حملات اسرائیل باعث تخریب حدود ۷۰ درصد از ساختمان‌های نوار غزه شده است و بازسازی این مناطق حدود ۵ تا ۱۰ سال زمان می‌برد. وی همچنین تخمین زده است که هزینه بازسازی نوار غزه حدود ۶۰ میلیارد دلار خواهد بود.

**پیدا شدن بقایای مادر بزرگ فلسطینی**

خانواده نعیفه رزق السوادا برای پیدا کردن آنچه برای مادر بزرگ عزیزشان پس از حمله از تیش اسرائیل به خانه‌اش اتفاق افتاده بود. ۲ هفته در داک را اسیری کردند. این زن ۹۲ ساله فلسطینی که از آرزوهایش محروم شده، به گفته دخترش، به صورت توده‌ای از استخوان‌های سوخته روی تخت سوخته نواش پیدا شد.

**«نه به نام من»؛ داستان معترضی یهودی**

یائیل کهن، معترض یهودی به میدال ایست آی می‌گوید: وقتی متوجه می‌شوی که زندگی شما روی آوار زندگی دیگران بنا شده، مسئولیت دارد که به آن واکنش نشان دهید. کهن ۵۱ ساله است که دارد علیه صهیونیسم اعتراض می‌کند. او از سال ۱۹۷۲ برای فلسطین آزاد مبارزه کرده و معتقد است که وظیفه‌اوست که هر جا هست از حق فلسطینیان دفاع کند. این یهودی می‌گوید: من روی زمینی زندگی کرده‌ام که از فلسطینیان در دیده شده. بنابراین هیچ عذری ندارم که امروز در لندن زندگی می‌کنم. می‌گویند از ۱۷ اکتبر سال ۲۰۲۳ و حملات مرگبار مداوم اسرائیل به غزه، به‌طور منظم برای همسنگی با فلسطینیان تظاهرات کرده‌ام می‌گویند که آنها قدرت مردم را دست‌کم گرفته‌اند.

**درون خود زندانی دارم**

لاغر شده و ناتوان از راه رفتن بدون کمک، دست راستش به شسکلی بی‌فواره جلوی او تکان می‌خورد و چهره‌اش تصویر بی‌سردرگمی است. معزز عیابات از زندان اسرائیل لنگ‌لنگان بی‌سرو می‌آید. پیش از اینکه از تیش رژیم صهیونیستی او را در اواخر سال گذشته دستگیر کند عیابات مردی توتومند و با اعتماد به نفس بود، یک بدن‌ساز آماتور با ۱۰۹ کیلوگرم وزن.

**رویداد**  
**جاهای از جبالیا**

«وقتی برای نخستین بار به ایست‌بازرسی نزدیک شدم، یک سرباز اسرائیلی بر سرم فریاد زد، کلامم را گرفت و به زمین انداخت. سعی کردم آرام بمانم. می‌دانستم که هر واکنشی می‌تواند زندگی‌ام را به خطر بیندازد.» این را محمود فلسطینی ۲۴ ساله می‌گوید. او در یادآوری خاطراتش از ۵۰ روز بمباران بی‌وقفه جبالیا می‌گوید: تصمیم گرفتم خانه‌هایم را ترک نکنم. به‌همراه پدرش، اسامه، نهایتاً محمد می‌گویند: «پدرم می‌دانست که ما هرگز قادر به بازگشت نخواهیم بود به همین خاطر حاضر نبود خانه‌اش را ترک کند.»

اما با وجود اصرارش برای ماندن، اسامه برای حفظ جان خانواده‌اش آنان را ترغیب کرد تا به غرب غزه بروند. محمود، پسر بزرگ‌ترش، تصمیم گرفت که بماند. او می‌گوید: «من بسا برادر کوچکم توافق کردم که او با مادرم برود و من با پدرم بمانم تا از او حمایت کنم.» چون آپارتمان آنها در طبقه چهارم نامن بود، آن دو به آپارتمان خالی مادر بزرگ محمود در طبقه همکف نقل مکان کردند، به امید امنیت بیشتر. اما ایمنی همچنان دور از دسترس بود. بمب‌ها بی‌وقفه می‌افتادند، توپخانه‌ها شلیک می‌کردند و خارج شدن از خانه به‌معنای به خطر انداختن زندگی بود. محمود می‌گوید: «ما مقدار کمی غذا و آب داشتیم که آن را جیربندی کردیم.» چند هفته بعد تانک‌های اسرائیلی به محله آنها رسیدند و آنها مجبور به ترک خانه خود شدند. روز و شب بدون آنکه بدانند دقیقاً به کجا می‌روند فقط راه می‌رفتند. سرانجام، آنها چاره‌ای جز ترک جبالیا نداشتند. محمود می‌گوید: «ما همه چیز را پشت سر گذاشتیم خانه‌مان، وسایل‌مان و در دناک‌ترین چیز، چرخ‌های خیاطی پدرم که منبع معاش ما بود.»

در ایست‌بازرسی، هرج و مرج و تحقیر در انتظارشان بود. سربازان صهیونیست به مردان دستور می‌دادند که برای بازرسی کامل لباس‌های خود را در بیاورند. محمود می‌گوید: «من در صفی با ۲۰۰ مرد برهنه، ایستاده بودم و کارت هویت‌م را بالا نگه داشته بودم. ۶ ساعت ما را در سرما نگاه داشتند. تانک‌ها اطرافمان می‌چرخیدند.» نظامیان صهیونیست به برخی اجازه عبور دادند و برخی را نیز بازداشت می‌کردند. محمود و پدرش جزو معدود کسانی بودند که توانستند از آن مهلکه جان سالم به در ببرند.

